

فصلنامه علمی - تخصصی اسلام پژوهان  
سال پنجم، شماره دهم، بهار ۱۳۹۸

## تقریب و وحدت در نظرگاه امامان شیعه علیهم السلام

\* علی دادرو

### چکیده

یکی از اهداف و آرمان‌های مسلمانان «وحدت‌اسلامی» است. مصلحان مسلمان همواره در تلاش‌اند تا در جهان اسلام اتحاد و هم‌گرایی به وجود آید. جامعه مسلمانان به دلایلی از همان روز نخست پس از رحلت پیامبر «ص» دچار شکاف شد. اختلاف در طول سالیان دراز پس از پیامبر، آسیب‌های بسیاری بر امت‌اسلام وارد نموده است. هرچند این وضعیت نمی‌باشد به وجود می‌آمد اما از همان آغاز، امامان و اهلیت (علیه‌السلام) که دلسوزترین افراد به حال امت بودند در صدد برآمدند تا با تدارک راهکارها و در پیش گرفتن رفتارهایی نه تنها مانع از آسیب‌های هرچه بیشتر شوند بلکه نوعی از وحدت و همزیستی سودمند را در درون امت‌اسلام شکل دهند. امام‌علی (علیه‌السلام) به عنوان مصلح از منادیان و طلایه‌داران اتحاد می‌باشد. او خود را شیفته و حریص ترین انسانها نسبت به وحدت مسلمانان دانسته و یکی از علل بیست‌وپنج سال سکوت خود در برابر خلفا را حفظ وحدت‌اسلامی یاد نمود. از سوی دیگر همه مسلمانان را به همسوبی و همدلی فراخواند تا اتحاد نهادینه شده و شجره طیبه آن به بار بنشینند. امامان و خاندان رسول الله (صلی‌الله‌علیه و آله) دارای نگاه و نگرش و روش تقریبی و هم‌گرا بوده و با تأکید بر آخوت ایمانی، گفتگوی سازنده، تأکید بر مشارکت پیروان اهل‌بیت(علیهم السلام) در مراسم و مناسک عبادی و اجتماعی دیگر هم‌کیشان، سفارش به برقراری روابط‌اخلاقی و عاطفی با آنان، ترویج خردورزی و آزاداندیشی و صیانت از یکپارچگی دینی - حاکمیتی در جامعه‌اسلامی در صدد تأمین تقریب و هم‌گرایی در میان امت‌اسلام برآمده‌اند.

واژه‌های کلیدی: تقریب‌مذاهب؛ زمینه‌ها و راهکارهای تقریب؛ وحدت؛ اتحاد‌اسلامی، امام‌علی(علیه‌السلام)، ائمه‌اطهار علیهم السلام

---

\* دانش‌پژوه سطح ۳ رشته شیعه شناسی موسسه آموزش عالی حوزه‌ی امام رضا(ع).

## مقدمه

تقریب و دعوت به وحدت اسلامی و تأکید بر همزیستی مسالمت‌آمیز دینی همه مسلمانان با عقاید و مذاهب گوناگون را می‌توان یکی از برنامه‌های اصلی و سیره ثابت همه امامان مucchom (علیه السلام) دانست به طوری که بررسی سخنان، سیره و عملکرد این بزرگواران در طول دو قرن و نیم حضورشان این مطلب به اثبات می‌رساند. با توجه به نیازها و ملاحظات عصر هر امامی و با عنایت به اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و فکری جامعه‌اسلامی، رویه و راهکار عملی وحدت و تقریب در دستور کار ائمه قرار می‌گرفت. خاندان وحی سعی می‌کردند با شناسایی دقیق مشکلات جامعه‌اسلامی و معضلاتی که باعث بروز اختلاف و ایجاد شکاف در میان مسلمانان می‌گردد، برنامه‌ای دقیق و مبتنی بر اصول صحیح اسلامی ارائه نمایند. برنامه‌ها و کارهایی که اجرا می‌شد با عنایت به این مهم صورت می‌گرفت که نظام فکری جوامع اسلامی به صورتی صحیح اصلاح گردیده و بنیان‌های امت واحده اسلامی در جهت رسیدن به همبستگی اجتماعی - دینی تقویت و ترویج یافته تا همه گروه‌های اسلامی به دوراز نزاع و درگیری‌های بی‌حاصل در کنار یکدیگر و با همیاری بیشتر به بالندگی و توسعه دینی دست یابند. مسئله وحدت امت اسلامی به صورتی در دستور کار این بزرگواران قرار گرفته بود که جامعه‌اسلامی با اکثریت اهل‌سنّت دچار این شبیهه نشود که باید به یکباره دست از اعتقادات خود بردارد، چراکه نه معنای تقریب و وحدت اسلامی این است و نه چنین کاری ممکن بود. باید بسترها و راهکارهای لازم در جهت ایجاد جامعه دینی - اسلامی مبتنی بر اصل همزیستی مسالمت‌آمیز، فراهم می‌گردید تا با درک درست و متقابل از هم به شناخت هر چه بیشتر از زوایای دین مبین اسلام می‌رسیدند. ائمه‌اطهار (علیهم السلام) تمام همت و کوشش خود را در رسیدن به این هدف معطوف داشته و به روشنگری در این زمینه پرداختند. در سخنان، روایات و آموزه‌های آنان به فراوانی بر

مسئله وحدت، همدلی، پرهیز از تفرقه و تقریب تأکید شده و بیش از هر چیزی به همبستگی مسلمانان توجه شده است. آنان سعی کردند با ارائه برخی راهکارها و بیان شفاهی و عملی برخی دستورات به تحقق این امر و استحکام اصل اخوت و همبستگی اجتماعی مسلمانان توجه کرده و زمینه تحقق آن را آماده نمایند.

### اهمیت و ضرورت وحدت از منظر امام علی (علیه السلام)

در اسلام وحدت‌اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. قرآن در ضمن آن که همگان را به هم‌گرایی و همبستگی فراخوانده است؛ از وحدت‌اسلامی به عنوان نعمت یادکرده و اختلاف را در ردیف عذاب الهی قرار داده است.

۷۱

«واعتصموا بحبل الله جميعاً و لاتفرقوا واذکروا نعمه الله عليكم اذكتتم اعداءَ

فالّف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته اخواناً...»<sup>۱</sup>

در این آیه به اتحاد مسلمان دستور داده شده است.

«قل هو القادر على ان يبعث عليكم عذاباً من فوقكم او من تحت ارجلكم او

يلبسكم شيئاً..»<sup>۲</sup>

در این آیه برای تفرقه عذابی عظیم را وعده داده است.

امام علی (علیه السلام) همبستگی را زمینه ریزش فیض‌الهی دانسته<sup>۳</sup> و وحدت را یکی از ارungan‌های بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بیان می‌نماید.<sup>۴</sup> او خود را شیفتہ و حریص‌ترین انسان نسبت به وحدت‌اسلامی دانسته است. آن حضرت عزتمندی و موقیت و ذلت امت‌های گذشته را مبنی بر هم‌گرایی و اختلاف دانسته و فرمود: «اگر بیندیشید

۱. آل عمران، آیه ۱۰۳. همگی به رسیمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را برخود به یادآورید که چگونه دشمن یک‌دیگر بودید و او در میان شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید.

۲. انعام، آیه ۶۵. بگو او قادر است عذابی از طرف بالا و یا از زیر پایتان برشما فروفرستد و یا آن که لباس تفرقه و پراکندگی برشما بپوشاند...

۳. ر.ک: عبدالجید معادیخواه، فرهنگ آفتاب، ناشر: انتشارات ذره، تهران، ج ۱، ص ۸۵؛ نهج البلاغه، تصحیح سید علی نقی فیض‌الاسلام، خطبه ۱۷۵.

۴. صبحی صالح، نهج‌البلاغه، خطبه ۱، ص ۴۴؛ شرح ابن‌ابی‌الحید، ج ۱، ص ۹۳.

در تفاوت احوال آنان در زمان خوشی و رفاه و زمان سختی، آنگاه لازم می‌شود بر شما که به سراغ عواملی بروید که باعث عزت و اقتدار آنان شد و دشمنانشان را از آنان دور کرد و عافیت و سلامت برایشان آورد... و آن عبارت است از پرهیز از تفرقه و اهتمام به الفت و محبت و توصیه و تشویش بر همگامی و همبستگی...» بنگرید آنان چگونه بودند هنگامی که جمعیت‌هایشان متعدد، خواسته‌ها متفق، قلب‌ها و اندیشه‌ها معتل، دست‌ها پشتیبان هم، شمشیرها یاری‌کننده یکدیگر، دیده‌ها نافذ و عزم‌ها و هدف‌ها همه یکی بود؛ آبا زمامدار و پیشوای همه جهانیان نشدند؟! از آن طرف پایان کار آنان را نیز بنگرید، آن هنگام که پراکندگی در میان آنان واقع شد، الفتاشان به تشتبه گرایید، اهداف و دل‌ها اختلاف پیدا کردند، به گروه‌های متعددی تقسیم شدند و در اثر پراکندگی، باهم به نبرد برخاستند. (در این هنگام بود) که لباس کرامت و عزت از تنشان بیرون شد و وسعت و نعمت از آنان سلب شد و تنها سرگذشت آنان در میان شما باقی‌مانده که مایه عبرت برای عربت‌گیرندگان است.<sup>۱</sup>

۷۲

## تعريف وحدت

وحدة و اتحاد به معنای یکتایی و یگانگی است.<sup>۲</sup> مراد از وحدت اسلامی به معنای یکی شدن مذاهب نیست. این وحدت نه شدنی است و نه منظور داعیان این نوع وحدت است. وحدت به معنای نادیده گرفتن اختلافات و شیعه شدن سنی، یا سنی‌شدن شیعه نیست. مقصود از وحدت اسلامی، همبستگی مسلمانان و اتحاد پیروان مذاهب گوناگون باوجود اختلافات مذهبی، در برابر دشمنان اسلام و بیگانگان است. معنای صحیح وحدت‌شیعه و اهل‌سنّت این است که با توجه به این‌که بین دو مذهب مشترکات بسیاری است، دو گروه باید بر محور این مشترکات به هم نزدیک شوند؛ برای حفظ و تعالی اسلام با همدیگر همکاری و همیاری داشته باشند چراکه هر دو، دشمن واحدی دارند. دشمنان اسلام، دشمنان هر دو مذهب هستند. در برابر این دشمنان و برای جلوگیری از سوءاستفاده آنان از اختلافات باید در مقابل آنان بر وجود اشتراک خود تکیه

۱. همان.

۲. خلیل بن احمد فراهیدی، ترتیب العین، ج ۱، تصحیح موسسه نشر اسلامی، سال چاپ ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۱۴۲.



کنند تا بتوانند بر دشمنان اسلام که دشمن مشترک شیعه و سنی هستند، از خود دفاع کنند.<sup>۱</sup>

اصولاً واژه «وحدت» یا «اتحاد» در مسائل اجتماعی در مواردی استفاده می‌شود که نوعی اختلاف وجود داشته باشد تا وحدت به وجود آید و بدون وجود اختلافات، اتحاد موجود است و نیاز به وحدت نیست و حال آنکه در اسلام دعوت به هم‌گرایی شده‌است.<sup>۲</sup>

معنای وحدت آن نیست که اقلیت‌های مذهبی از عقاید خود دست برداشته و عقیده واحد داشته باشند یا سنتی‌ها شیعه و شیعیان سنی شوند بلکه مقصود از وحدت آن است که همه افراد و گروه‌های یک جامعه با بهره‌گیری از عوامل وحدت و با اتخاذ سیاست‌های اصولی و منطقی در قبال سیاست‌های خصمانه دشمن مشترک خود، متحد بوده و از اختلافات غیرمعقول پرهیزکرده و اختلافات خود را با تبادل اندیشه حل نموده و با صلح و صفا در کنار هم زندگی کنند. مقصود از وحدت در سیره امام علی علیه‌السلام نیز بدین معناست که آن حضرت علی‌رغم آن که ولایت را حق خود دانسته و با خلفاً اختلاف داشت و سیاست آنان را نقد می‌کرد ولی در هنگامی که دشمنان مشترک مسلمانان، اصل دین و مصالح عمومی امت‌اسلامی را تهدید می‌کردند، آن حضرت با خلفاً همکاری می‌کرد.<sup>۳</sup>



## عوامل وحدت و تقریب در اسلام

### ۱. مرجعیت علمی علی علیه‌السلام

اگر به دوران خلفای نخست و زمانی که حضرت علی (علیه‌السلام) از خلافت کنار گذاشته شده بود، مرجعیت علمی آن حضرت، امری مسلم بود.

نقش و جایگاه امام علی (علیه‌السلام) در پیشبرد اسلام چه در عصر نبوی و چه بعد از آن مورد اتفاق همه مسلمانان است. در تاریخ اسلام، شخصیت و مقام علمی

۱. ر.ک. سید عبدالحسین شرف‌الدین، اجتہاد در مقابل نص، ترجمه علی دوانی، چاپ دوم، کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۹۶ ق. ص ۸.

۲. ر.ک: سوره انعام، آیه ۱۵۹؛ عبدالله ابن قتبیه الدینوری، الامامه والسياسة، ج ۱، صص ۱۱۹ و ۱۲۱.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶؛ احمد ابن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، چاپ بیروت، ص ۱۲۲.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) محبوب بین تمام مذاهب اسلامی بود. آن حضرت از طرف همه مذاهب مورد قبول بود و حتی بسیاری از فرقه‌ها مثل اباضیه که منسوب به خوارج هستند، شخصیت ایشان را بالاتر از همگان می‌دانستند.

فرزند احمد حنبل نقل می‌کند: روزی در منزل امام احمد (امام حنبل) نشسته بودیم و بحثی در رابطه با خلافت علی (علیه السلام) داشتیم که آیا مناسب بود او خلیفه مسلمانان شود یا خیر. امام احمد که این سخنان ما را شنیده بود با ناراحتی و آشفته وارد جلسه شد و گفت: چه اتفاقی برایتان افتاده که درباره خلافت علی (علیه السلام) بحث می‌کنید، به خدا قسم خلافت زینت علی نبود بلکه علی (علیه السلام) زینت خلافت بود.<sup>۱</sup>

دو خلیفه نخست در بسیاری از مسائل و احکام شرعی به امام علی (علیه السلام) مراجعه می‌کردند و خلیفه اول ابوبکر می‌گفت: ای مسلمانان، علی وارث علم پیامبر است هر که در راستی او شک کند منافق است. عمر بن خطاب، خلیفه دوم - دائمًا به امام علی (علیه السلام) مراجعه می‌کرد و می‌گفت: پناه می‌برم به خدا از اینکه در قومی باشم که ابوالحسن در آن نباشد. در یکی از این سخنانش می‌گوید: خداوند مرا با مشکلی که ابوالحسن حلال آن نباشد، تنها نگذارد. جمله معروف دیگر خلیفه دوم که در بیش از هفتاد موضع به آن اقرار کرده این است که اگر علی (علیه السلام) نبود، عمر هلاک می‌شد. بنا بر گزارش‌های فراوان، خلیفه دوم معمولاً نظر حضرت علی (علیه السلام) را بر نظر سایر صحابه مقدم می‌کرد، به طوری که امر کرده بود، با حضور علی (علیه السلام) در مسجد، کسی حق فتو ندارد و در جلسات شوراء، نظر نهایی را از آن حضرت می‌خواست. در رفتار و گفتار آنان نوعی از خضوع به شخصیت و جایگاه علمی امام علی (علیه السلام) مشاهده می‌شود. عایشه با اینکه در مقابل حضرت علی (علیه السلام) به نزاع و جنگ برخاست، در بسیاری از موارد، سخنانی در خصوص مراجعه به حضرت علی (علیه السلام) به عنوان مرجع علمی همه مسلمانان دارد و در این باره می‌گوید: به نزد ابوالحسن بروید که او داناتر از من است.<sup>۲</sup>

۱. عبدالله بن قتيبة الدینوری، الامامه والسياسة، ج ۱، ص ۱۴۴.
۲. قاضی نعمان، شرح الأخبار فی فضائل الانتماء الأطهار، محمدحسین جلالی، قم، مؤسسه التشریع الاسلامی، خلافة الامام علی (علیه السلام)، ص ۲۱.

ابن قیم از عالمان بزرگ اهل سنت معتقد است: اصحاب کبار از علی(علیه السلام) به عنوان متخصص قرآن (اہل الذکر) استفاده کرده‌اند و همواره مشکلات خود را از آن حضرت می‌پرسیدند. علم و دانش حضرت علی (علیه السلام) به قدری برای همگان شناخته شده بود که مرجعیت علمی ایشان نه تنها برای خلفاً و صحابه معتبر بود، بلکه فقهای شام و عراق نیز در هر مسأله‌ای دچار اشکال می‌شدند، به آن حضرت رجوع می‌کردند. به همین خاطر عالمان اهل سنت در دوره‌های بعدی به علوم امام علی (علیه السلام) استناد می‌کردند. فخر رازی پس از پذیرش قول امام علی (علیه السلام) در جهر به بسم الله می‌گوید: کسی که در دینش به علی ابن ابی طالب (علیه السلام) اقتدا کند، هدایت یافته است و در تفسیرش می‌نویسد: ما در هر چیز شک کنیم در این امر شک نخواهیم کرد که هرگاه میان قول انس و ابن فضل و علی بن ابی طالب (علیه السلام)، تعارض شود عمل به قول علی (علیه السلام) اولی است زیرا او به رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» نزدیک‌تر است.<sup>۱</sup>

## ۲. مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم السلام)

اهل بیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) همواره به عنوان چهره‌های مقبول نزد همه مسلمانان مورده احترام و توجه بودند و مسلمانان با وجود همه اختلاف‌های فکری، اعتقادی و وابستگی به جریان‌ها و مکاتبی که داشتند، برای اهل بیت (علیهم السلام) جایگاه خاص و والا در نظر گرفته و به آنان توجه خاصی نشان می‌دادند. مسلمانان در مشکلات و معضلات علمی خود بر این باور بودند که اهل بیت (علیهم السلام) مرجع علمی قابل اطمینانی در همه علوم اسلامی و دانایی به شریعت و دین می‌باشند و می‌توان از دانش آنها در موارد گوناگون استفاده کرد. این باور امروزه این قابلیت را دارد که محوری مهم برای تقریب تمام جوامع اسلامی گردد.<sup>۲</sup>

از نظر تاریخی اهل بیت (علیهم السلام) و پیروان ایشان همواره امت اسلام را به وحدت دعوت نموده‌اند و هرگز اختلافات فقهی و مسأله امامت و خلافت را دلیل بر خروج از

۱. علامه سید محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۲۳۰؛ علی نمازی شاهرودی، مستدرک سفینه البحار، ج ۱۰، ص ۱۱۸.

۲. محمد سعید معز الدین، ندای وحدت، انتشارات مجمع جهانی تقریب، صص ۲۷۵ و ۲۸۰.

مذهب و مخالفت با وحدت که حکمی‌الهی است، ندانسته‌اند. بر اساس نظر شیعه، اهل‌بیت(علیهم السلام) به سبب جایگاه ویژه‌ای که در قرآن و نزد رسول‌اکرم (صلی الله علیه و آله) داشته‌اند، در پیروی و الگو قرار‌گرفتن بر دیگران برتری دارند و تمسک به آنان واجب است اما در میان اهل‌سنت این اعتقاد بدین صورت دیده نمی‌شود و البته موجب بروز مشکلاتی برای آنان شده‌است.<sup>۱</sup>

علامه طباطبایی (ره) در خصوص شأن علمی اهل‌بیت(علیهم السلام) در اسلام معتقد است: برخی از امت‌اسلامی بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به اهل‌بیت ایشان رجوع کردند و آنان را مرجع خود قراردادند و برخی دیگر از اهل‌بیت اعراض کردند که این عده در حفظ دین و کسب معارف آن توفیقی نیافتدند، درحالی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره اهل‌بیت(علیهم السلام) به آنان توصیه کرده‌بود و امت‌اسلامی باید معارف دین را از اهل‌بیت می‌گرفتند و بزرگ‌ترین آسیبی که به معارف قرآنی وارد شد، همین اعراض برخی مسلمین از مکتب اهل‌بیت(علیهم السلام) و عدم استفاده از علم آنان است.<sup>۲</sup>

مرجعیت‌علمی و جایگاه رفیع اهل‌بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌تواند در میان مسلمانان به عنوان یکی از محورهای اساسی تقریب مذاهب اسلامی، در مسیر اتحاد مسلمین نقش به سزایی ایفا نماید و با پذیرش این حقیقت که مرجعیت‌علمی ائمه (علیهم السلام) تا حد زیادی مورد قبول ائمه مذاهب اسلامی بوده است، گام‌های مهم و اساسی در مسیر تقریب دو مذهب شیعه و اهل‌سنت برداشته می‌شود. مسلماً شیعه و اهل‌سنت از نظر مسائل فقهی یا نگاه به سیر تحولات تاریخی و جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله) باهم تفاوت دارند ولی مرجعیت‌علمی اهل‌بیت نکته‌ای است که همگی بر آن اتفاق نظر دارند.<sup>۳</sup>

۷۶



### جایگاه اهل‌بیت(علیهم السلام) نزد ائمه سایر مذاهب

اهل‌بیت(علیهم السلام) در نگاه ائمه مذاهب چهارگانه اهل‌سنت از مقامی والا و ممتاز برخوردار هستند، به طوری که آن‌ها معترف به ولایت و محبت اهل‌بیت، فضائل و مناقب

۱. محمدحسین طباطبایی، *تفسیر المیزان* ج ۳، ص ۲۶۱؛ مستدرک سفینه البحار، ج ۱۰، ص ۶۹.

۲. استاد مرتضی مطهری، امامت و رهبری، صص ۵۱-۵۲.

۳. ابن بزاری، *مناقب ابی حنیفه*، ج ۲، ص ۸۳.

و مرجعیت علمی آنان بوده و از اهل بیت به گونه‌ای با تعظیم و تجلیل یاد می‌کنند که در مورد هیچ‌کس دیگری چنین تعظیمی از آنان دیده نشده است.

جایگاه علمی اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه پیشوایان مذاهب اربعه پذیرفته شده بود و حتی بسیاری از ائمه مذاهب اسلامی و فقهای بزرگ مذاهب اربعه از دروس علمی امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) استفاده و از علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام) کسب فیض کرده بودند. ابن عقدہ نام چهارهزار از فقیهان و محدثانی را که از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده یا نزد ایشان تلمذ داشتند را بر شمرده است.<sup>۱</sup>

ابوحنیفه به عنوان یکی از ائمه چهارگانه، محب و دوستدار اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود و به آنان احترام می‌گذاشت و به فضائل و مناقب ایشان باور داشت و علاوه بر اینکه علم و دانش را از آنان فراگرفت، به حقانیتشان نیز حکم می‌کرد و از ائمه اطهار علیهم السلام شیعه، تمجید و ستایش می‌نمود. ابوحنیفه درباره امام علی و امام باقر و امام صادق علیهم السلام فضایل و مناقب فراوان نقل کرده است.<sup>۲</sup>

درباره تعامل ابوحنیفه با امام صادق علیه السلام در منابع شیعی و سنی آمده است که وی سخت تحت تأثیر شخصیت و مقام علمی امام صادق علیه السلام بود. ابن حجر از میان اهل بیت علیهم السلام این سه نفر را از اساتید مسلم ابوحنیفه معرفی می‌کند: امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام و جناب زید بن علی در جامع المسانید ابوحنیفه، رابطه دوستانه اش با حضرت صادق علیه السلام بیان گردیده است.<sup>۳</sup>

این سخن مشهور ابوحنیفه که اگر نزد امام صادق علیه السلام علم آموزی نکرده بودم، هلاک می‌شدم، بیانگر مقام علمی و مرجعیت آن حضرت است و میزان اعتماد او نسبت به دانش امام را مشخص می‌کند.

همچنین اعتماد ابوحنیفه به روایات اهل بیت علیهم السلام بیانگر مرجعیت علمی ایشان است. ابوحنیفه ضمن نقل روایات نسبتاً زیادی از ائمه اهل بیت علیهم السلام که

۱. همان

۲. ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۱، ص ۶۵، علی محمد بجاوی، الانقاء، بیروت، ۱۹۹۲/۱۴۱۲، صص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۳. ابن بزاری، همان، ص ۳۱۶؛ احمد بن علی بن ثابت خطیب بغدادی، تاریخ مدینه السلام، ج ۱، بیروت، ص ۳۹۹.

در مسانید او فراوان به چشم می‌خورد، به احادیث منقول ایشان نیز اعتماد می‌کرد و در پی بررسی سلسله سند آن‌ها نبود و می‌گفت از کسانی که به صورت مستقیم می‌گویند قال رسول الله (صلی الله علیہ و آله) نیازی به سؤال در سند نیست.<sup>۱</sup>

در منابع شیعی، ابوحنیفه در سلسله روایات اهل‌بیت(علیہم السلام) قرار گرفته و مشخص است که ابوحنیفه برای به دست آوردن پاسخ مسائل علمی خود به اهل‌بیت(علیہم السلام) مراجعه می‌کرد و این نشان می‌دهد که مرجعیت علمی اهل‌بیت(علیہم السلام) نزد این امام اهل‌سنت قطعی بوده است. به هر روشی عشق و علاقه بزرگان و رؤسای مذاهب اهل‌سنت نسبت به اهل‌بیت(علیہم السلام) امری مسلم و انکار ناپذیر است.<sup>۲</sup>

۷۸

سخن معروف مالک بن انس در مورد شخصیت و جایگاه والای علمی امام صادق (علیہ السلام) شاهدی بر این مدعای است که می‌گوید در علم و عبادت و پرهیزگاری برتر از جعفر بن محمد (علیه السلام) هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است.

امام مالک با بیان این سخن که من فقیه‌تر از جعفر بن محمد (امام صادق) ندیده‌ام، صراحةً بر مرجعیت علمی آن حضرت اعتراف می‌کند. سایر علماء و بزرگان اهل‌سنت نیز ضمن ارادت به ائمه و اهل‌بیت(علیہم السلام) مرجعیت علمی آنان را قبول کرده‌اند گرچه در مرجعیت سیاسی ایشان توقف کرده‌اند.<sup>۳</sup>

تیغه

۱. همان.

۲. ابن میمون ابوالعز قلانسی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ناشر: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی ، ج ۵ مدخل «أبوحنيفه»، ص ۳۸۱.

۳. شمس الدین ذهبي، سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۲۵۷؛ محمد ابن اسماعيل بخاري، تاريخ الكبير، ج ۲، صص ۱۹۹ و ۱۹۸.

## جایگاه اهل بیت(علیهم السلام) در متون اسلامی

در جوامع روایی و حدیثی اهل سنت و شیعه روایات مربوط به فضائل و مناقب اهل بیت ذکر شده و در بیشتر آن‌ها به صراحت برتری علم اهل بیت(علیهم السلام) و لزوم موبدت و محبت نسبت به آنان اعلام شده است.<sup>۱</sup>

همین توجه باعث شده تا جایگاه اهل بیت(علیهم السلام) در میان همه مسلمانان جهان اعم از شیعه و اهل سنت بی‌همتا محسوب شود و این ظرفیت می‌تواند به عنوان یکی از زمینه‌های وحدت و راهبردی مهم در تقریب امت اسلامی مورد عنایت قرار گیرد. چراکه بین شیعه و اهل سنت در مورد علوم اهل بیت(علیهم السلام) همچون امام صادق (علیه السلام) هیچ اختلافی نیست و عالی‌ترین شخصیت‌های محبوب اهل سنت قسمت زیادی از علوم و دانش خود را از این مکتب فراغ فته‌اند.<sup>۲</sup>

علاوه بر اینکه تعداد چهار هزار شاگردی که در مکتب امام صادق (علیه السلام) تربیت شده‌اند، هر یک عالمی شاخص، برجسته و قابل اعتماد در فقه، حدیث، تفسیر و... گردیده‌اند که در نشر معارف و علوم دینی جامعه اسلامی تأثیرات عمیقی بر جا نهاده‌اند. در جهان اسلام، وامدار این مکتب علمی می‌باشد. از این‌رو مرجعیت علمی اهل بیت(علیهم السلام) از گذشته تا به امروز حق عظیمی در احیا و توسعه دانش‌های اسلامی و البته تقریب و وحدت همه گروه‌های اسلامی داشته و در زمان حال علاوه بر اینکه می‌تواند محوری مهم در تقریب امت اسلامی گردد، برای حل مشکلات و مسائل لایحل علمی، اجتماعی، فرهنگی جهان اسلام مفید خواهد بود.

در خاتمه به حدیثی از پیامبر(صلی الله علیه و آله) در این زمینه اشاره‌می‌شود که بر اساس آن اهل بیت(علیهم السلام) و خاندان وحی کشتی نجات همگان هستند. در این روایت تصریح شده که اهل بیت(علیهم السلام) مایه نجات مردمان است، چنان‌که می‌فرماید: اهل بیتی کسفینه‌نوح؛ اهل بیت من (در نجات انسان‌ها) همانند کشتی نوح هستند. بنابراین روایت تنها راه نجات، توصل و پیروی از رفتار و سیره اهل بیت(علیهم السلام) می‌باشد که بسان کشتی نوح همراهان خود را به سلامت به مقصد می‌رسانند.

۱. معاونت تبلیغ حوزه‌های علمیه قم، کتاب برای مبلغان، پایگاه مجلات تخصصی نور، مجله: مبلغان، شماره ۳۴، آبان ۱۳۸۱ ص ۱۲۸.

۲. قاضی میرحسین میبدی، شرح میبدی، مقدمه، ص ۱۶.

همچنین از اشعاری که در فضیلت اهل بیت(علیهم السلام) سروده شده نیز می‌توان به جایگاه پذیرفته شده آن‌ها نزد همه مسلمانان پی‌برد. اگر در تاریخ دقت کنیم، می‌بینیم که اهل بیت(علیهم السلام) علاوه بر اینکه در قرآن، سنت و تاریخ مورداً احترام و توجه‌بودند در ادبیات و اشعار نیز بسیار محترمانه از آن‌ها یادشده‌است. و تمام این‌ها بیانگر این واقعیت است که اهل بیت(علیهم السلام) مرجع علمی امت‌اسلامی بوده و هستند و باید همین نکته را برای تقریب برجسته نمود. چراکه با پذیرش مرجعیت اهل بیت(علیهم السلام) مسلمانان می‌توانند تمامی مسائل و مشکلات خود را حل نمایند و در غیر این صورت با مشکلات بسیار زیادی رو برو خواهند شد. بنابراین برتری علمی و مرجعیت اهل بیت(علیهم السلام) مورد اجماع تمام مسلمانان است<sup>۱</sup> و مقبولیت ایشان در مرجعیت علمی، میان تمام امت‌اسلامی راهی برای تقریب بین شیعه و اهل‌تسنن می‌باشد، اما متأسفانه این مسئله به درستی مورد توجه قرار نگرفته است. در حالی که مرجعیت علمی اهل بیت(علیهم السلام) بهترین و برترین اقدام ممکن در یکپارچه شدن و وحدت میان تمام مذاهب اسلامی خواهد بود. اما هنوز مسلمانان نتوانستند آن‌گونه که شایسته است بر محور اهل بیت(علیهم السلام) به وحدت و هماهنگی کامل برسند و شایسته است تا در این زمینه اقدامات بیشتری انجام شود به‌ویژه که ظرفیت‌های زیادی در این زمینه موجود است. بی‌شك نقش علماء و اندیشمندان شیعی در این زمینه و در معرفی چهره حقیقی و مرجعیت علمی اهل بیت(علیهم السلام) برای همه مسلمانان بسیار حائز اهمیت است و باید با بهره‌گیری از سیره و روش آنان چهره‌برتر و سیمای حقیقی اهل بیت(علیهم السلام) به دیگران معرفی شده و مسلمانان به‌سوی آنان رهنمون گردند. شیعه و اهل‌سنّت می‌توانند با تأکید بر مسئله مرجعیت علمی اهل بیت(علیهم السلام) به عنوان یکی از مشترکات خود گامی مؤثر در پیروی از علمای سلف خود بردارند و با این کار ضمن تقریب این دو گرایش فکری اسلامی، بسیاری از مشکلات پیش روی خود را نیز برطرف نمایند.



## راهکارهای تقریب

### عبادات و مناسک دینی

در دستورات و روایات ائمه اطهار(علیهم السلام) به فراوانی بر لزوم شرکت همه مسلمانان و بهویژه شیعیان در همه مراسم‌های دینی و عبادی جامعه اسلامی تأکید و سفارش شده است. هرچند در آن عصر این‌گونه عبادات و مناسک دینی زیر نظر کسانی انجام می‌شد که از لحاظ سیاسی و فکری در زمرة مخالفان و رقبای اهل بیت(علیهم السلام) به شمار می‌رفتند.

بی‌شک حضور در عباداتی همچون نماز در کنار سایر مذاهب اسلامی امری است که کمک بسیاری به تقریب و وحدت اسلامی می‌کند. به همین جهت در دستورات ائمه اطهار (علیهم السلام) شرکت در نماز جماعت همراه مخالفان مذهبی و حتی امامت و اذان گویی برای آنان دیده می‌شود و به حدی به این امر تأکید شده است که بی‌رغبتی نسبت به حضور در جماعات مسلمانان و اقامه فردی نماز را موجب بی‌ارزشی این عمل دانسته‌اند.

امامان شیعه با این دستور که گامی بزرگ در نزدیکی و آشنایی بیشتر عموم مسلمانان با هم بود، توانستند این باور را در جامعه اسلامی جا بیندازنند که نباید هیچ مسلمانی تنها به خاطر برخی اختلافات در امور دینی، خود را از دیگر مسلمانان جدا بداند و از اجتماع اسلامی فاصله بگیرد.

بدین‌گونه بنیان این اندیشه که برخی خود را تافته‌ای جدابفته از جامعه اسلامی می‌دانستند، متزلزل شده و همه مسلمانان با مذاهب مختلف به این مسئله واقف شدند که نباید به خاطر برخی امور دینی و عبادی از گستره جمعی مسلمانان فاصله بگیرند.

اگر به منابع روایی و حدیثی مراجعه شود در اکثر مجموعه‌های روایی و حدیثی شیعه درباره نماز جماعت (به صورت عام) و بیان استحباب آن، بایی در نظر گرفته شده و روایات فراوانی از امامان شیعه درباره اهمیت و جایگاه نماز جماعت و حتی ترجیح آن بر فضیلت نماز اول وقت گردآوری شده است. در برخی از این روایات وقتی از ائمه معصومین (علیهم السلام) درباره اقامه نماز جماعت با مخالفان مذهبی سؤال شده، امام در ضمن پاسخ به تأیید این کار پرداخته و برای آن که شک و شباهی در آن برای کسی باقی

نماند به سیره امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) اشاره می‌کند که پشت سر خلفا نماز می‌خوانده است.<sup>۱</sup>

بر پایه عنایت و توجه به همین روایات و با استناد به سیره امامان معصوم (علیه السلام) فقیهان بزرگی همچون امام خمینی (ره)، آیت‌الله خوبی (ره) و بسیاری از مراجع تقليید، فتوا بر مجزی و کفایت نماز جماعت و دیگر اعمال عبادی با مخالفان داده‌اند. این فتوای علمای بزرگ شیعه در عصر ما گامی بزرگ در عرصه تقریب میان شیعه و اهل‌سنّت گردید و نشان داد، بازخوانی سیره ائمه‌اطهار (علیه‌هم السلام) با نگاه وحدت‌گرایانه چه میزان می‌تواند در همبستگی و وحدت امت‌اسلامی تأثیرگذار باشد. امام خمینی (ره) به عنوان عالمی بزرگ و فقیهی ممتاز و انقلابی بر این عقیده است که امامان شیعه، در بیش از دو قرنی که حضور داشتند، همواره با مراسم عبادی اهل‌سنّت همگام بوده و در وقوف حج و یوم‌الشک رمضان با آنان مخالفتی نکردن و نه تنها گزارشی از مخالفت نیست بلکه از قضا کردن اعمال توسط آنان به ما هیچ خبری نرسیده است.<sup>۲</sup>

شرکت در نماز جمعه و نمازهای عید فطر و عید قربان نیز راهکار دیگری در عرصه تقریب توسط ائمه معصومین (علیه‌هم السلام) می‌باشد، در عصر آنان، این اعمال عبادی بر طبق مذهب اهل‌سنّت انجام می‌شد ولی امامان عموماً مشوق حضور مردم و البته اصحاب و منسوبان به خود در این مراسم‌های عبادی و اجتماعی بودند. وجود احادیث مختلف درباره اهمیت، اجر و ثواب و چگونگی اجرای این مراسم در منابع و مجتمع روایی و حدیثی گواهی بر این مدعای است. در برخی از این روایات مسافرت قبل از اقامه نماز جمعه مکروه دانسته شده و سفارش کردن تا حضور در این‌گونه نمازها بانشاط و آمادگی همراه باشد و حتی حرکت به سمت نماز جمعه را موجب خلاصی از آتش جهنم

۱. شیخ حر عاملی، التوادر، انتشارات موسسه آل‌البیت، قم، ص ۱۲۹، وسائل الشیعه (آل‌البیت)، ج ۸، ح ۱۰۷۲۶، ص ۳۰۱.

۲. روح‌الله خمینی، جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی (س) ۱۳۶۸-۱۲۷۹، انتشارات تهران ۱۳۹۲، ص ۲۶.

دانسته‌اند.<sup>۱</sup> همچنین بنا برگزارش یکی از روایات، امام محمدباقر (علیه السلام) به یکی از اصحابش توصیه می‌کند که امثال او باید در نماز جمعه شرکت نمایند.<sup>۲</sup>

فریضه حج در زمرة همین اعمال عبادی محسوب می‌شود که باید مسلمانان در کنار هم به آن بپردازنند. قابلیت زیادی در پیشبرد اهداف تقریب‌گرایانه و وحدت‌بخش در این فرضه‌الهی نهفته‌است. از این‌رو در روایات بسیاری از ائمه‌اطهار (علیه السلام) بر وجود، فضیلت، ثواب و پاداش این فرضه تأکید شده‌است<sup>۳</sup> و از طرفی بهشدت بر لزوم پرهیز از بی‌اعتنایی به فرضه‌الهی هشدار داده‌اند و بر تداوم توجه همگان به این عمل عبادی جمعی تأکید و ترغیب کرده‌اند.<sup>۴</sup>

۸۳

شرکت در فرضه حج علاوه بر عبادت و تقرب‌الهی، فرصت بسیار مناسبی در جهت بیان، تحکیم و تثبیت باورهای وحدت‌آفرین اجتماع اسلامی در درون خود دارد و امامان معصوم (علیهم السلام) اصرار داشتند تا خود در این مراسم عبادی حاضر شوند و هم دیگران را به شرکت در آن توصیه می‌کردند.<sup>۵</sup> ائمه بیشتر اوقات نه تنها خود با پای پیاده در این عبادت دسته‌جمعی و البته با امارت مخالفان شرکت می‌کردند بلکه آن را جهاد ضعیفان و شیعیان و از اسباب شناخت مسلمانان نسبت به یکدیگر و عمیق شدن پیوند اجتماعی آنان می‌دانستند و به همین جهت حتی ترک آن را همسان با کفر و ارتداد تلقی می‌کردند.<sup>۶</sup>

این در حالی است که اداره امور حج همواره به دست فدرت‌های سیاسی مخالف بود و آنان به صورت مستقیم و با نصب امیرالحاج بر این مراسم نظارت داشتند و به نظر می‌رسد که ائمه در مسائل عمومی حج از امیرالحاجی که از طرف حکومت تعیین شده بود

۱. اسماعیل معزی، جامع احادیث شیعه، ج ۶، انتشارات مهر ۱۴۲۲ ق، ص ص ۴۲۵ و ۴۲۲.

۲. اسماعیل معزی، همان، ج ۶، صص ۴۱۴ و ۴۱۵.

۳. ثقه الاسلام کلینی، اصول کافی، جلد ۳، ص ۴۲۹.

۴. الكافی (ط - الإسلامية)، ج ۳، باب فضل يوم الجمعة و ليلته ..... ص ۴۱۵.

۵. الكافی، ج ۴، ص ۲۷۲؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، صص ۴۲۰ و ۴۲۲.

۶. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، انتشارات موسسه آل البيت، قم ۱۴۰۹ ق. ج ۱۵ ، ابواب جهاد النفس و ما يناسبه، ب ۴۶، ح ۳۱، ص ۳۲۹.

تبعیت می کردند. حج فرصت خوبی برای دست یابی به اهداف وحدت بخش و تقریب گرایانه ائمه بود و محلی برای برخورد و تلاقي اندیشه های اسلامی به شمار می رفت که گزارش های زیادی از ارتباطات امامان (علیهم السلام) با سایر پیروان و بهویژه عالمان مذاهب مختلف در تاریخ وجود دارد.

### معاشرت و مدارا

در سیره و رفتار ائمه اطهار (علیهم السلام) با سایر مسلمانان آنچه بهوضوح دیده می شود، معاشرت و مدارای بسیار و بر پایه اخلاق پسندیده اسلامی است. این تلاش ها در راستای رشد و تقویت بنیان های اخلاقی و حفظ برادری صورت می گرفت علاوه بر اینکه کمک بسیاری در جهت همبستگی و وحدت میان مسلمانان به حساب می آید، راهکاری عملی برای همه زمان ها و همه مسلمانان می باشد.

سیره عملی امامان حکایت از این دارد که آنان بر ضرورت رعایت اصل مدارا در تمامی رفتارهای اجتماعی، فردی و عرصه های فکری، اخلاقی و حقوقی تأکید و توجه داشتند و همواره با دیگران بر اساس اخلاق و ادب برادری و مسلمانی رفتار می کردند و هیچ گاه در سلوک اجتماعی با آنان از شیوه های تنگ نظرانه، سختگیرانه، استفاده نمی کردند و سخن درشت و ناسزا به آنها نمی گفتند.

در تعالیم ائمه توصیه های فراوانی نسبت به برادری دینی و همزیستی اجتماعی با پیروان مذاهب مختلف دیده می شود. در جوامع حدیثی و روایی شیعه، بابی با عنوان «باب مدارا» دیده می شود که در آن برای آداب معاشرت با هم نوعان دستوراتی داده شده و بهویژه در برخورد با مخالفان مذهبی راهکارها و نمونه هایی ارائه گردیده است.<sup>۱</sup> در یکی از این روایات وقتی معاویه بن وہب از امام صادق (علیهم السلام) درباره چگونگی رفتار با مخالفان می پرسد، امام در پاسخ می فرماید: به امامان خود بنگرید که چگونه با آنان رفتار می کنند همان گونه عمل نمایید، به خدا سوگند که آنان (ائمه) از مریضشان (مخالفان)

۱. محمد محمدی ری شهری، العلم و الحکمة فی الكتاب و السنّة، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ص ۳۲۲؛ علامه محمد باقر مجلسی، بحار الانوار (ط - بیروت)، ج ۲، ص ۶۲.

عیادت‌می‌کنند و بر جنازه‌هایشان حاضر می‌گردند و در میان آنان به حق گواهی می‌دهند و امانتشان را به آنان بازمی‌گردانند.<sup>۱</sup>

از مصاديق مدارا باید به خوش‌خلقی و ملایمت اشاره کرد. به تجربه نیز اثبات شده که این‌گونه اخلاق، آثار مثبتی چون جلب محبت، هدایت‌پذیری بهتر، فراوانی دوستان، ایجاد پیوند و وحدت بیشتر در میان جامعه‌دینی به همراه خواهد داشت. امام صادق (علیه السلام) در دستور اخلاقی خود به «عنوان بصری»، حلم و بردباری در برابر مخالفان را از ارکان اخلاق اسلامی و وظایف سالکان می‌داند و به آن توصیه کید دارد.<sup>۲</sup> جالب این که در سخنان ائمه‌اطهار (علیه السلام) مدارا، خوش‌خلقی و خوش‌رفتاری با مخالفان مذهبی علاوه بر اینکه باعث زینت و جلوه‌رفتاری و کرداری شیعیان و امامانشان دانسته شده، از عوامل مهم جلب توجه به مکتب اهل بیت نیز به شمار رفته است.

مردی شامی تحت تأثیر تبلیغات معاویه در برخورد با امام حسن مجتبی (علیه السلام) در ناسزاگویی از حد گذشت اما پاسخی جز سلام، تبسیم و محبت از امام ندید. وقتی مرد شامی رفتار بزرگوارانه، محبت و کرامت امام را دید، با شرمندگی اعلام کرد: گواهی می‌دهم که تو شایسته امامتی و خدا آگاه‌است که رسالتش را در کجا قرار دهد تا این ساعت تو و پدرت نزد من از همه مبغوض‌تر بودید و اینک کسی از شما نزد من محبوب‌تر نیست.

بر همین اساس، ائمه‌اطهار (علیه السلام) همواره تلاش می‌کردند، در برخورد هدایت‌گرایانه با دیگران از پرخاشگری و ناسزاگویی، حتی نسبت به دشمنان و مخالفان بپرهیزنند. هیچ موردی از ناسزاگویی و بکار بردن کلمات ناشایست توسط آنان حتی نسبت به سرسخت‌ترین مخالفان گزارش نشده و هیچ‌گاه ناسزاگویی مخالفان و دشمنان سرسخت خود را با ناسزاگویی پاسخ نمی‌دادند. اصحاب خود را نیز از هرگونه خشونت در گفتار و سب که طبعاً موجب شعله ورشدن تنازعات و تعصبات مذهبی می‌شد، بر حذر می‌داشتند و اگر از اصحاب آنان نیز حرکاتی که موجب تشدید منازعات یا سب و درگیری‌های کلامی سر می‌زد آنان را سرزنش می‌کردند.

۱. اصول کافی، جلد ۴ ص ۴۴۸.

۲. علی بن حسن طبرسی، مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۳۲۶؛ بحار الأنوار، ج ۱، باب آداب طلب العلم و أحکامه، ص ۲۲۴.

## توجه به عواطف مذهبی

ریشه بسیاری از کشمکش‌های شدید فرقه‌ای و درگیری‌های مذهبی تفرقه و اختلاف حتی در میان جوامع دینی را باید در عدم توجه به عواطف مذهبی و دینی و بی‌احترامی و عدم درک متقابل گروه‌ها از باورها و مقدسات یکدیگر دانست. به همین خاطر تحریک عواطف و احساسات دینی در میان مذاهب مختلف کاری خطرناک است و هرچند میان آن‌ها اشتراکات زیادی باشد اما این کار باعث از هم‌گستاخی میان گروه‌های مختلف می‌گردد. بعبارت دیگر، عدم توجه به عواطف مذهبی و یا احیاناً اهانت و تمسخر باورهای دینی که گاه ابزاری در دست دشمن برای از هم جدا کردن مسلمانان است را باید سمی مهلك در جهت اقدام‌های تقریب‌گرایانه و وحدت‌بخش به شمار آورد.

گاهی پاره‌ای از باورها بدون این‌که پایه درستی داشته باشند جنبه قدسی و احترام‌آمیز به خود می‌گیرند اما درباره این‌گونه معتقدات نیز برخوردهای احترام‌آمیز و خردمندانه بهترین گزینه می‌باشد و تجربه نشان‌داده که برخوردهای تحقیر‌آمیز و بی‌احترامی نه تنها فایده‌ای ندارد بلکه غالباً نتیجه معکوس می‌دهد.

در سیره و سنت امامان معصوم (علیهم السلام) نسبت به ملاحظات عاطفی و مذهبی مخالفان توجه زیادی دیده‌می‌شود و هیچ‌گاه در برخوردهای خود به تحریک احساسات مذهبی مخالفان نمی‌پرداختند، هرچند پایه و اساس درستی برای آن عقاید وجود نداشته باشد. در یکی از مناظرات نزد امام جواد (علیهم السلام) از فضایل خلفاً آن‌هم با تکیه‌بر احادیث نبوی ساختگی سخن به میان آمد، امام برای آنکه علیه او موضع‌گیری نشود و احساسات طرفداران جریحه‌دار نشود، ابتدا در ظاهر احترام خلفای نخست را حفظ کرد و در ادامه با استنادهای کاملاً صحیح و موردعیول آنان به اثبات جعلی بودن این‌گونه احادیث پرداخت. بدین‌گونه امام بر پایه صحیح علمی و بدون تحریک احساسات طرفداران این فضایل سؤال جدی در ذهن آنان طرح کرد که موجب می‌شد به ساختگی بودن برخی اعتقادات خود بیندیشند.<sup>۱</sup>

به‌هرروی امامان با توجه به عواطف‌مذهبی دیگران سعی می‌کردند، از هرگونه اهانت و برخوردهای تند و تحریک‌آمیز نسبت به دیگران پرهیز نمایند حتی اگر این باور

۱. سید عبدالرزاق مقرم، نگاهی گذرا بر زندگانی امام جواد (علیهم السلام) ترجمه دکتر پرویز لولاور، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰ ش، صص ۹۸ و ۱۰۰.

ساختگی درباره دشمنان مسلم آنان که غاصب حقشان بودند، باشد و به همین جهت و برای آنکه جامعه‌اسلامی به تشتبه و واگرایی دچار نشود به اصحاب و شیعیان خود درباره موضع‌گیری علیه خلفاً سفارش به سنجیده‌گویی می‌کردد و بر احترام به اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) تأکید داشتند که برخی از این دستورات در جوامع روایی شیعه دیده‌می‌شود.<sup>۱</sup> این مباحث به صورت روش‌تر در گزارش‌های منابع اهل‌سنّت دیده‌می‌شود این‌سعد نقل‌می‌کند از امام‌باقر(علیهم السلام) پرسش شد که آیا از خاندان شما کسی هست که به شیخین ناسزا بگوید و آن حضرت ضمن پاسخ منفی فرمود آن دو را دوست بدار و به آنان مهروزی کن و برای آنان از خدا آمرزش بخواه.<sup>۲</sup> اگر این موارد حمل بر تقيیه‌شود که بعيد نیست اما مهم این است که ائمه ما نسبت به باورهای دیگران حساس بودند و تا حد ممکن سعی‌می‌کردند احساسات دیگران تحریک نشود.

۸۷

### عدم تکفیر مخالفان

پدیده تکفیر ریشه بسیاری از مشکلات امروز جهان اسلام است و برخاسته از تنگ‌نظری، بدینی، مطلق‌اندیشی و جهل به معتقدات و مبانی اندیشه دیگران می‌باشد و از گذشته تابه‌حال جامعه و فرهنگ اسلامی بیشترین زیان را در این‌گونه برخوردها متحمل شده‌است.

پرهیز از تکفیر و تفسیق‌های نابجای مسلمانان و مذاهب مختلف نسبت به هم علاوه بر آنکه موجب پذیرش اختلاف افکار و تعدد سلایق می‌شود در مسیر تقریب و وحدت‌اسلامی بسیار تأثیرگذار خواهد بود. عدم تکفیر مخالفین و پرهیز از تحمیل عقیده و ترک مخاصمه و ستیزه‌جویی از دیگر رویکردهای وحدت‌بخش در سیره ائمه‌اطهار(علیهم السلام) است. در باب نهی از تکفیر مسلمان و مخاصمه فکری و جمال‌های بی‌فائیده مذهبی و پیامدهای زیان‌بار فکری، اجتماعی و تربیتی و اخلاقی آن، روایات فراوان از ائمه‌اطهار(علیهم السلام) وجود دارد.<sup>۳</sup> بر پایه این روایات، خصومت‌های

۱. نصر ابن مزاحم منقري، وقعة صفين، انتشارات مؤسسة العربية الحديثة، ١٣٨٢ ق، ص ١٠٣ و رک: مجلسی، بحار الانوار، ج ٧٥، ص ٣٩٣

۲. على ابن عيسى اربلى، كشف الغمة فى معرفة الائمه، انتشارات دارالاضواء، ١٤٠٣ ق، ج ٢، ص ٣٦٠ .

۳. شیخ صدوق، الہدایۃ فی الاصول و الفروع، انتشارات موسسه امام هادی قم، ١٤١٨ ق، ص ٢٧

کلامی و تکفیر یکدیگر نه تنها تأثیری در هدایت دیگران ندارد بلکه اسباب اختلاف، دشمنی و کینه را فراهم می‌سازد.

ائمه با گشودن باب اجتهاد و تأویل و جلوگیری از تنگنظری و بدینی نسبت به مخالفان و پرهیزدادن از خودخواهی و استبداد در رأی و تأکید بر معامله مسلمانی با مخالفان مذهبی، تلاش داشتند که از رواج چنین آفتی جلوگیری نمایند.

سیره و سخنان امامان حاکی از این است که آنان دایره مسلمانی و ایمان نجات‌بخش را از بسیاری مخالفان مذهبی و برخی از اصحاب تندرو خود فراتر می‌دانستند. در حالی که برخی مخالفین امامان گاهی به خاطر موضوعات و اختلافات حاشیه‌ای امام را متهم به کفر می‌دانستند اما ائمه هرگز چنین نمی‌کردند. هیچ‌گاه حضرت علی(علیه السلام) خوارج را که سرسخت‌ترین گروه دینی مخالف و بدون مبنای صحیح دینی بودند به کفر و شرک و نفاق متهم نکرد و می‌گفت اینان برادران ما هستند که بر ما ستم نموده‌اند. ایشان درباره ناکثین و اصحاب جمل نیز همین‌گونه سخن می‌گفت.<sup>۱</sup>

بنا بر یک گزارش وقتی زراره از شاگردان بر جسته امام صادق(علیه السلام) انسان‌ها را از جهت دینی تنها به دو گروه کافر و مؤمن تقسیم کرده‌بود، امام با اشاره به گونه‌های دیگری از مردم نظیر مستضعفین فکری و اهل اعراف که بر اساس آموزه‌های قرآن واسطه بین ایمان و کفر هستند، دیدگاه وی را رد کرد و این تنگنظری و افراط زراره در تعمیم کفر به تمامی جاهلان و منکران امامت را ناشی از جوانی و جهل و کینه وی نسبت به مخالفان دانست.

در مجموع ائمه‌اطهار (علیهم السلام) بر لزوم پایبندی بر لوازم و شرایط تقریب و وحدت‌اسلامی توجه و تأکید داشتند و این شیوه را در سیره عملی و گفتاری و آموزشی خود به کار می‌بردند و با نگاهی به تاریخ اسلام و عصر زندگی امامان معصوم(علیهم السلام) می‌توان به نقش بی‌بدیل و تأثیرگذار آنان در راستای تقریب، نزدیک شدن و رفع اختلافات فکری مسلمانان پی برد. امامان شیعه با محور قراردادن قرآن و سنت نبوی (صلی الله علیه و آله) (مانع بروز اختلاف فکری و تشیت در پیکره

۱. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغة، ۴، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۲۱۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، باب حکم قتل البغاء، ص

امت‌اسلامی شدند که این سیره همواره باید برای امت‌اسلامی سرمشق و عبرت‌آموز باشد.

### نتیجه‌گیری

اختلاف موجود در میان امت‌اسلامی هرچند واقعیتی ناپسند است لکن درمان پذیر یا لاقل قابل کاهش و تخفیف است.

امامان از اهل‌بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) به عنوان دل‌سوزترین و مسؤولیت پذیرترین افراد نسبت به امت‌اسلام از همان آغاز در صدد تلطیف و تخفیف شکاف موجود در میان امت برآمده‌اند.

اندیشه، نگرش و سیره عملی امام‌علی (علیه‌السلام)؛ دلالت بر اهتمام جدی و اثرگذار این امام همام در برقراری همبستگی اسلامی و مؤanst و معاشرت ایمانی و انسانی در میان امت‌اسلام دارد.

الگوگیری از شیوه تقریب‌ساز امام‌علی (علیه‌السلام) و سایر ائمه (علیهم‌السلام)؛ و پیگیری آن موجب شکل‌گیری هرچه بیشتر انسجام و یکنگی در میان امت‌اسلام می‌گردد.

در همه فرهنگ‌ها و ملل گوناگون، همواره تلاش برای وحدت و استفاده از مزایای آن وجود داشته‌است.

وحدت در دین اسلام و ملل اسلامی به‌واسطه وجود مشترک فراوان همچون اعتقاد به خدای واحد، رسالت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، قرآن‌کریم، امامت و رهبری و... می‌تواند خودبه‌خود ایجاد شود و هیچ لزومی هم ندارد که مسلمانان در یک خطه جغرافیایی خاص باشند زیرا منشأ وحدت امت‌اسلام همان دین فطری اسلام است که همه پیامبران الهی در طول تاریخ آن را تبلیغ نموده و متن کامل آن به‌وسیله خاتم پیامبران حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) ابلاغ شده‌است. یکی از الگوهایی که می‌تواند ایجاد‌کننده وحدت حقیقی مسلمانان باشد و تشنه‌کامی بشر جویای عدل را سیراب سازد سیره کلامی و عملی حضرت‌علی (علیه‌السلام) است.

از دیدگاه حضرت‌علی (علیه‌السلام) حفظ سنت‌های پسندیده، توجه به خواسته‌های بر حق مردم، استفاده صحیح از عواطف با توجه به اعتقادات مسلمانان بر وجود خدای واحد

و تمسمک به سیره رسول اکرم (صلی الله علیہ وآلہ) و پیروی از امام و رهبر و... از جمله عوامل وحدت امت اسلامی است که در موقع حساس مانع از هم پاشیدگی این امت شده است.

## منابع:

- \* قرآن کریم
- \* نهج البلاغه، صبحی صالح
- ۱. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، دارالفکر، بیروت، ۱۹۷۹ م.
- ۲. ابن بابویه، محمدبن علی، عیون أخبارالرضا علیه السلام، تهران ۱۳۷۸ ق.
- ۳. ابن بنازی، مناقب ابی حنیفه، ج ۲، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- ۴. ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفةالاصحاب، ج ۱، دارالجیل بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- ۵. آوای تقریب، مجتمع جهانی تقریب‌مذاهب‌اسلامی، قم ۱۳۷۴ ش.
- ۶. بخاری، محمدابن اسماعیل، تاریخ‌الکبیر، ج ۲، بیروت ۱۹۸۶ م.
- ۷. تسخیری، محمدعلی، درباره وحدت و تقریب، تهران، مجتمع تقریب، قم ۱۳۸۳.
- ۸. خطیب‌بغدادی، احمدبن علی بن ثابت، تاریخ‌مدنیه‌السلام، ج ۱، بیروت ۱۴۱۵.
- ۹. خمینی، روح‌الله، جهان‌اسلام از دیدگاه امام خمینی (س) ۱۳۶۸-۱۲۷۹، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران ۱۳۹۲.
- ۱۰. الدینوری، عبدالله‌ابن قتبیه، الامامه والسيامه، ج ۱، لبنان بیروت ۱۴۱۰ ق.
- ۱۱. ذہبی، شمس الدین، سیراعلام‌البلاء، ج ۶، انتشارات آوای منجی، ۱۳۹۱ ش.
- ۱۲. زمخشri، الكشاف، ادب‌الحوzه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۶۸.
- ۱۳. سیوطی، عبدالرحمن‌بن‌ابی‌بکر، الدرالمنثور، کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، قم ۱۴۰۴ ق.
- ۱۴. شرف‌الدین، سیدعبدالحسین، اجتهاد در مقابل نص، ترجمه‌ی علی دوانی، چاپ دوم، کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۹۶ ق.
- ۱۵. شیخ صدق، ابو جعفر محمدبن علی بن بابویه قمی، الهدایه فی الاصول و الفروع، انتشارات مؤسسه امام‌هادی قم، ۱۴۱۸ ق.
- ۱۶. صبحی صالح، نهج‌البلاغه، خطبه ۱، شرح ابن‌ابی‌الحدید.
- ۱۷. طبرسی، علی بن حسن، مشکأة‌الأنوار فی غرر‌الأخبار، کتابخانه حیدریه و ناشران دیگر، ۱۳۸۵ ق.
- ۱۸. عاملی، شیخ حر، التوادر، انتشارات مؤسسه آل‌البیت، قم، ص ۱۲۹، وسائل الشیعه (آل‌البیت)، ج ۸، قم ۱۴۰۹ ق.
- ۱۹. علامه طباطبائی، سید‌محمد‌حسین، تفسیر‌المیزان، ج ۳، مرکز نشر فرهنگی رجاء، قم ۱۳۶۸.
- ۲۰. علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت دار احیاء التراث‌العربی ۱۴۱۲ ق.
- ۲۱. علی‌بن‌عیسی اربلی، کشف‌الغمہ فی معرفة‌الائمه، ج ۲، انتشارات دار‌الاضواء، ۱۴۰۳ ق.
- ۲۲. علی‌محمد‌بجاوی، الانتقاء، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۲،

۲۳. عمیره، عبدالرحمان، شرح المقاصد، ج ۵، قم ۱۴۱۲ ق.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب العین، ج ۱، تصحیح موسسه نشر اسلامی، سال چاپ ۱۴۱۴ هـ.
۲۵. قاضی نعمان، شرح الأخبار فضائل الائمه الأطهار، محمد حسین جلالی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی جامعه مدرسین، قم ۱۳۶۱ ش.
۲۶. قرطبي، الجامع لأحكام القرآن، دار الكتب العربي، ط الاولى، انتشارات ناصرخسرو، تهران ۱۳۶۸ ش.
۲۷. قلانسی، ابن میمون - ابوالعز، دایره المعارف بزرگ اسلامی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، قم ۱۳۷۸.
۲۸. کلبی، ثقة الإسلام، اصول کافی، جلد ۳، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۲۱ ق.
۲۹. محمدی ری شهری، محمد، العلم و الحکم فی الكتاب والسنّة، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم ۱۳۹۰.
۳۰. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، مرکز نشر آثار شهید مطهری، قم ۱۳۶۴.
۳۱. معاونت تبلیغ حوزه‌های علمیه قم، کتاب برای مبلغان، پایگاه مجلات تخصصی نور، مجله: مبلغان، شماره ۳۴، آبان ۱۳۸۱.
۳۲. معايخواه، عبدالجیاد، فرهنگ آفتاب، انتشارات ذرہ، تهران ۱۳۸۶.
۳۳. معزالدین، محمد سعید، ندای وحدت، انتشارات مجمع جهانی تقریب، تهران ۱۳۷۶.
۳۴. معزی، اسماعیل، جامع احادیث شیعه، ج ۶، انتشارات مهر ۱۴۲۲ ق.
۳۵. مقرّم، سید عبدالرزاق، نگاهی گذرا بر زندگانی امام جواد (علیه السلام) ترجمه دکتر پرویز لولوار، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس‌رضا، ۱۳۷۰ ش.
۳۶. منقري، نصرابن مذاہم، وقعة صفين، ناشر: مؤسسة العربية الحديثة، ۱۳۸۲ ق.
۳۷. مبیدی، قاضی میرحسین، شرح مبیدی، مقدمه، تهران ۱۲۸۵ ق.
۳۸. نمازی شاهروodi، علی، مستترک سفینه البحار، ج ۱۰، مؤسسه النشر الاسلامی جامعه مدرسین، قم ۱۳۸۵ ش.
۳۹. نهج البلاغه، تصحیح سیدعلی نقی فیض‌الاسلام، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض‌الاسلام، تهران ۱۳۷۹.
۴۰. هیتمی، ابن حجر، الصواعق المحرقة، انتشارات مکتبه القاهرة، مصر ۱۴۱۵ ق.
۴۱. یعقوبی، احمد ابن اسحاق، تاریخ یعقوبی، چاپ بیروت ۱۹۶۹ م.